

نگرشی بر فلسفه فرانسیس بیکن

نویسنده : دکتر بصیر کامجو

دسامبر 2022 میلادی

فرانسیس بیکن (به انگلیسی: Francis Bacon) زاده 22 جنوری 1561 – مرگ 9 اپریل 1626 میلادی ، فیلسوف ، حقوق دان ، سیاستمدار ، نویسنده و دولت مرد انگلیسی بود. برخی از دانشمندان وی را یکی از بانیان انقلاب علمی می دانند. روند پایان چیرگی کلیسا بر اشکال شعور اجتماعی جامعه و دگرگون شدن تفکرسوی نوگرایی و خردگرایی را میتوان مرهون دانش و معرفت وی دانست. (1)

فرانسیس بیکن در دوره رنسانس زندگی می کرد . و دوره رنسانس دوره ای از تاریخ فلسفه اروپا است. که در سده های 15 – 16 میلادی اتفاق افتیده بود.

بیکن در رد اندیشه کلیسا دیدگاه خود را چنین بیان کرد : " اگر انسان ذهن خود را متوجه به ماده کند در پیرامون آن کار می کند و از پیرامون آن تجاوز نمی نماید " ؛ وی باورمند بود که ادراک ما از راستی تنها در همان اندازه است که مشاهدات ما اجازه می دهد . و " خارج از گستره مشاهدات " نه تنها نمی توانیم چیزی بدانیم ، شاید اساساً شایسته دانستن آن نباشیم . از دیدگاه او ذهن مسئول یافتن پیوندها در ماده بوسیله مشاهده و تجربه است و میان دانش و کنش و مشاهده فرقی نیست . او راه رسیدن به بیانی و ادراک بهتر از جهان هستی را بقرار ذیل پیشکش می کند : " باکسب دانش رده بندی ماده بر اساس ارزش و منزلت آن ، ذهن خود را از تزویر دور دار " و برای رسیدن به این ادراک باید ذهن را از بت های که آن را فرا گرفته اند رها سازیم .

بیکن به این باور است که : " تنها همه اوقات به خواندن نمونه ای از سستی و کاهلی است ؛ بکاربردن آن برای خودنمایی ریا است ؛ فتوادادن از روی آداب خرد و رزانه خودنمایی است. " (2)

فرانسیس بیکن همچو گوته آلمانی می گفت " دانشی که به کار منتهی نشود را مسخره می کند. " باید دانست که در گستره زندگی بشر تنها خدا و فرشتگان تماشاچی بیامیغ و ناب اند . " (3)

به عقیده بیکن، یادگیری و دانش همگی از مبنای استدلال استقرایی ناشی می شوند.

او از راه ایقان به برخوردهای تجربی، این اندیشه را پیشکش می کرد که تمام دانش لازم برای درک کامل یک مفهوم را می توان با استفاده از استقرا به دست آورد. برای رسیدن به نتیجه استقرایی، باید اهمیت پیش روگیری جزئیات (بخش های ویژه هستی) را در نگرستن گرفت . " هنگامی که این

جزئیات با هم یکجا شدند، تفسیر هستی با مرتب کردن آنها به ترتیبی رسمی پیش می‌رود تا به فهم ارائه شوند. " (4)

آزمایش برای کشف درستی های هستی نیازین است. هنگامی که یک آزمایش اتفاق می افتد، بخش هایی از انگاره آزمایش شده به ترکیب شدن با هم آغاز می کنند و یک نتیجه را تشکیل می دهند.

از راه این نتیجه گیری از جزئیات، می توان درک هستی را شکل داد. اکنون که درکی از هستی به دست آمده است، می توان نتیجه ای استقرایی گرفت. "زیرا هیچ کس ماهیت یک چیز را در خود آن چیز با موفقیت بررسی نمی کند، پژوهش باید به چیزهایی که اشتراکات بیشتری با آن دارند گسترش یابد." (5)

بیکن دلایل برهانی را از راه نمونه های ویژه از جهان مادی و گسترش آن نمونه که به یک کلیت آشکار می شود . می ستاید .

داویدن وخواست اساسی آفرینش هنگامی که جزئیات موجود در جهان مادی را درک می کنیم، می توانیم بیشتر در باره آن بیاموزیم و نسبت به اتفاقات در جهان هستی دلپر و دلگرم تر شویم، دانش و آگهی های جدید را در تمام مدت به دست آوریم. " این چیزی کمتر از کاهش باور بی اندازه دلگرم بیکن نیست که روش های استقرایی می توانند پاسخ های نهایی و سهو ناپذیری را در مورد قوانین و ماهیت جهان به ما ارائه دهند " . در نهایت به دلیل استقرا می تواند جهان مادی را به مفهوم یک کل بهتر درک کند. به همین دلیل، بیکن نتیجه می گیرد که تمام یادگیری و دانش باید از استدلال استقرایی استخراج شود.

اجزای اساسی از داده ها ، آمار، پژوهش و تدقیق ، بروز پیشآمد ها و نمونه ها همه استدلال استقرایی ما را در شناسایی الگوها و انتخاب وگزیرش بهتر و درست تر در زندگی و کار پشتیبانی می کند.

در نگرش استقرایی سه واژه « مشاهده » و « باور » و « تجربیات » نقش سازنده را در شناخت دقیق پدیده ها و زیست اجتماعی بازی می کند . بگونه نمونه : اگر ما نگاهی به گذشت اتفاقات و رویداد های سه دهه تاریخ سرزمین خویش خراسان - افغانستان بی اندازیم . مدلل است که در مورد جنگ و امنیت فکر می کنیم . در مورد انگیزه و چگونگی تداوم خون و خشونت ، دهشت و وحشت رژیم مستبد و خون خوار ناسیونالیزم دولتی افغان فکر می کنیم. زیرا چشم دید ما از پیشبرد سیاست خون و جنایت این رژیم های افغانی و مشاهدات و باور و ایقان و تجربیات ، همه یکجا ما را به شناخت ذات اهریمنی رژیم های افغانی تکتازی وامی دارد که این انگاره عقلایی فرآیند فکری نمونه ای از استفاده از استدلال استقرایی است . که زیر اسلوب شناخت مبتنی بر مشاهده ، باور و تجربیات بکار گرفته می شود .

- 1 - کلاین، پورگن (2012)، "فرانسیس بیکن"، در زالتا، ادوارد ن. دایره المعارف فلسفه استنفورد (زمستان 2016 ویرایش)، آزمایشگاه تحقیقات متافیزیک، دانشگاه استنفورد .
- و همچنان رجوع شود به : تجربه گرایی: تأثیر فرانسیس بیکن، جان لاک و دیوید هیوم. کالج شیرین بریار.
- 2 - تاریخ فلسفه ، ویل جیمز دورانت ، ص 103 .
- 3 - تاریخ فلسفه ، ویل جیمز دورانت ، ص 107 .
- 4 - ترنر، هنری اس. (2013). "مفهوم رایج فرانسیس بیکن". مجله مطالعات فرهنگی مدرن اولیه. 13 (3): 7-32.
- 5 - رجوع شود به : بیکن، فرانسیس (1902). دیوی، جوزف (ویرایشگر). اندام جدید نیویورک: کولیر.